

## بررسی موانع ساختاری در جهت شکل گیری و ارتقاء توسعه فرهنگی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها

دکتر منصور وثوقی<sup>۱</sup>، هاشم آرام<sup>۲</sup>، گودرز سلمانی<sup>۳</sup>

### چکیده

توسعه فرهنگی یکی از شاخص‌های اصلی خود باوری جامعه است، توسعه فرهنگی در قالب اهمیت دادن به ارزش‌های محلی و ملی، باید بتواند از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه خود پاسخ دهد. هدف کلی این نوشتار بررسی موانع ساختاری توسعه فرهنگی در ایران است. استدلال مقاله بر این است که فرهنگ سنتی، فرهنگ استبداد، سنت ایرانی و تأخر فرهنگی برآمده از نظام اجتماعی ناهمگون و نامتوازن جامعه، به عنوان مانع ساختاری توسعه فرهنگی در ایران بوده است.

روش تحقیق بصورت اسنادی بوده و با استفاده از تکنیک فیش‌برداری نظری داده‌ها و اطلاعات از کتب، مقالات و اسناد جمع آوری شده و با شیوه توصیفی-تحلیلی و متکی بر استنباط‌های نظری، تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، وضعیت شاخص‌های فرهنگی و به عبارتی وضعیت توسعه فرهنگی ایران در شرایط مساعد و مطلوبی نیست و از جمله عوامل تأثیرگذار بر این وضعیت مقولات فرهنگ سنتی، سنت ایرانی، فرهنگ استبداد و تأخر فرهنگی است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است، فرهنگ برآمده از نظام ناموزون و ناهمگون جامعه ایران، به عنوان مانع ساختاری روند و فرآیند توسعه و توسعه فرهنگی در جامعه ایران بوده است.

**کلید واژه‌ها:** توسعه فرهنگی، موانع توسعه فرهنگی، فرهنگ سنتی

<sup>۱</sup> استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی؛ علوم و تحقیقات تهران و عضو گروه پژوهش‌های راهبردی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (نویسنده مسئول).

Aram8jin@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز goodarz.salmani@gmail.com

## مقدمه و طرح مسأله

وظیفه اساسی هر فرهنگ پاسخگویی به مشکلات جاری و رایج جامعه است. مسلماً ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی که متناسب با شرایط (مشکلات) جامعه باشد می‌تواند پاسخگوی مشکلات موجود باشد. رسالت پاسخگویی فرهنگ به مشکلات موجود و متناسب بودن آن، شامل فعالیت اقتصادی نیز می‌شود. به بیان دیگر وظیفه اساسی هر فرهنگ علاوه بر پاسخگویی به مشکلات موجود جامعه، فعالیت‌ها و مسائل اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد. با توجه به اهمیت بنیادین فرهنگ و نقش آن در جهان امروز و تأکید صاحب‌نظران و سازمان‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر، و همچنین با توجه به خلاءهای اخلاقی و فرهنگی موجود، توسعه فرهنگی در دنیای کنونی ضروری و گریزناپذیر به نظر می‌رسد. بطوریکه سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، یونسکو، دهه پایانی قرن بیستم را دهه "فرهنگ" نامید و مقرر نمود که باید کشورهای عضو در این دهه، در پیشرفت و اعتلای فرهنگ بکوشند و چنین وظیفه‌ای را بر عهده دولت و کمیسیون‌های ملی یونسکو در هر کشور نهاد.

امروزه رسیدن به توسعه همه‌جانبه و پایدار، دغدغه اصلی کشورها و دولت‌هایشان است. از آنجا که انسان موجودی فرهنگی است، زیربنای توسعه حقیقی و پایدار، دستیابی به توسعه فرهنگی است. توسعه فرهنگی عبارتست از: دگرگونی که از طریق تراکم برگشت‌ناپذیر عناصر فرهنگی در یک جامعه معین صورت می‌پذیرد و بر اثر آن، جامعه کنترل موثرتری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند.

توسعه می‌بایست جامع باشد. یعنی در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد. توسعه می‌بایست ریشه فرهنگی داشته باشد، نرم افزارهای توسعه جامع که بخشی از آن توسعه فرهنگی است، خود باید فرهنگی باشد. یعنی ریشه در هویت دینی، تاریخی فرهنگ، زیست جهان و عقبه داشته باشد. نوع زیست جهانی که مردم ما در مناطق مختلف دارند، سرشار از قابلیت و امکان است. قرار نیست کشورها فقط با یک فرهنگ غربی به توسعه برسند، می‌توان با فرهنگ‌های مختلف به توسعه رسید (افروغ، ۱۳۸۵).

در حال حاضر برخی از کشورها و فرهنگ‌های دارای سابقه همچون هند و چین، در مسیر توسعه گام بر می‌دارند. ایران در توسعه اقتصادی در جایگاه پایین قرار دارد. این ناتوانی اگر چه در ظاهر اقتصادی است ولی می‌توان آن را به مثابه معضل فرهنگی نیز بررسی کرد. در ایران، دو بخش فرهنگ و صنعت از یکدیگر فاصله دارد، به این دلیل که در بخش صنعت دیدگاه فرهنگی وجود ندارد و بخش فرهنگ نیز به مسائل صنعتی توجه چندانی نمی‌کند.

مقاله حاضر سعی دارد با بررسی موانع توسعه فرهنگی در ایران، بر پایه یک چارچوب تئوریک، موانع ساختاری توسعه فرهنگی را بررسی کند. بنابراین سوال اصلی این نوشتار عبارت است از: موانع ساختاری توسعه فرهنگی در ایران کدام‌اند؟ آیا فرهنگ سنتی و برآمده از نظام اجتماعی ناهمگون و نامتوازن، مانع توسعه فرهنگی در ایران بوده است؟ به همین منظور می‌کوشیم تا ضمن تحلیل وضعیت توسعه فرهنگی در سطح توصیفی، موانع ساختاری توسعه فرهنگی را با تأکید بر بعد فرهنگی، در سطح تبیینی، ارائه بدهیم.

## اهداف تحقیق

- بررسی و شناخت وضعیت توسعه فرهنگی در ایران
- بررسی و شناخت موانع ساختاری و تأثیر گذار در شکل‌گیری توسعه فرهنگی در ایران
- بررسی و شناخت تبعات و چالش‌های بوجود آمده ناشی از عدم توسعه یافتگی فرهنگی در ایران

• ارائه پیشنهادات و راهکارهایی در جهت تقویت و ارتقای توسعه فرهنگی

**پیشینه تجربی تحقیق**

«موانع جامعه‌شناختی توسعه صنعتی ایران» تحقیقی است که توسط آقای فرهاد امام جمعه انجام شده است. آنچه در این تحقیق مورد تأکید قرار گرفته موانع توسعه نیافتگی صنایع جدید بویژه در صنایع مونتاژ جست و جو می‌شود. کتاب دیگری که در همین زمینه قابل اشاره است «دین، توسعه و فرهنگ» نوشته میثم موسایی است. نکته‌ی که در مورد پژوهش ایشان قابل تأمل است اینکه، تمرکز وی بر روی دین است.

موانع فرهنگی توسعه در ایران، عنوان تحقیقی است که توسط محمدرضا حسینی نوشته شده است. در این پژوهش محقق ضمن ارائه تصویری از وضعیت توسعه فرهنگی در ایران، تحلیلی از فرهنگ سیاسی ایران ارائه می‌دهد و ویژگی‌های عمده آن را به تفکیک برمی‌شمارد. فقدان انگیزه موفقیت‌طلبی، اسطوره‌گرایی، توجه بیش از حد به اصل و نسب، احساساتی بودن، تمایل به تقلید، ذهن‌گرا بودن، گرایش به خشونت، را از جمله موانع عمده‌ای می‌داند که بر سر راه توسعه در ایران وجود دارد و این‌که، موانع ریشه فرهنگی دارند.

با توجه به اینکه سایر تحقیقات صورت گرفته نیز هیچ‌یک از منظر نگاه کلان فرهنگی به موضوع مورد نظر پرداخته‌اند، در این تحقیق سعی شده با استفاده از نظریات علمای علوم اجتماعی با تکیه بر عوامل فرهنگی و با تأکید ویژه بر نظریه «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» ماکس وبر مورد بهره‌برداری نگارنده قرار گیرد.

توسعه حاصل نگرش خاصی به عالم است و بدون ایجاد این نگرش خاص، پیشرفت ممکن نیست و این نگرش خاص بیانگر لزوم وجود یک «فرهنگ مناسب» برای توسعه است. بنابراین لازم است به صورت خاص رابطه فرهنگ و توسعه را کاملاً شناخته و در برنامه توسعه به آن توجه شود.

**ملاحظات نظری**

**پارادایم‌های نظری کلان توسعه در ایران**

متفکرین بسیاری از مکاتب گوناگون تلاش کرده‌اند که تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران را طی چند سده اخیر مورد بررسی قرار دهند. در نظریات این متفکرین به متغیرهایی چون فرهنگ مذهبی، فرهنگ سیاسی و دولت-های مطلقه و استبدادی اشاره شده است.

شیوه تولید آسیایی: اندیشمندان بسیاری حول محور تأثیر شرایط اقلیمی بر زندگی اجتماعی، به مطالعه و تحقیق پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به نیکولو ماکیاولی، ابن خلدون، دیوید هیوم و شارل لویی مونتسکیو اشاره کرد (نقیب-زاده، ۱۳۷۰: ۶۱-۶۶).

کارل مارکس نیز در مطالعات خود به تفاوت‌های میان ساختارهای سیاسی - اجتماعی جوامع شرقی با جوامع غربی فئودالی پی برده بود و علت این تفاوت را منتسب به شرایط اقلیمی می‌دانست (علمداری، ۱۳۸۵: ۱۸۱).

مارکس چهار نوع شیوه تولید را در تاریخ بشری ذکر می‌کند که سه نوع: باستانی، فئودالی و بورژوازی، در تاریخ مغرب زمین یکی پس از دیگری گرفته‌اند و هر یک دارای خصائص ویژه خود و نوع معینی از روابط بین انسانها هستند. بر خلاف سه نوع دیگر، خصیصه شیوه تولید آسیایی تبعیت بردگان، بندگان و مزدوران از طبقه‌ای که مالک ابزار تولیدی است نبوده، تبعیت عموم زحمت‌کشان از دولت مشخصه اصلی شیوه تولید می‌باشد (آرون، ۱۳۸۱: ۱۷۱).

با در نظر گرفتن ویژگی‌های که برای جوامع آسیایی ذکر شد، مطالعات ایرانشناسان آسیایی بیشتر حول دو محور اساسی (دو ویژگی) «عدم تضاد شهر و روستا» بر خلاف آنچه در تجربه تاریخی اروپا رخ داد و «خشکی و کم آبی طبیعی اقلیم ایران» صورت گرفته است. از میان تحقیقات انجام شده از دسته اول آثار احمد اشرف و از دسته دوم محمد علی همایون کاتوزیان و یرواند آبراهامیان بیش از دیگران مشهور بوده و دیدگاه‌های آنها در خور تامل است.

الف) نظریه جامعه پراکنده کم آب: کاتوزیان با نقد نظریه فئودالیسم ایرانی به طرح دیدگاه خود در غالب نظریه «جامعه کم آب و پراکنده» می‌پردازد، به نظر وی بر خلاف نظریه «جامعه هیدرولیک» ویتفولگ و همچنین نظریه «شیوه تولید آسیایی» موريس گودالیه، سیستم آبیاری مصنوعی منشاء پیدایش دولت مستبد شرقی ایران نبوده است، بلکه فقر طبیعت از یک سو باعث پراکندگی و جدا افتادگی واحدهای کار و زندگی اجتماعی (روستاها) از یکدیگر شده و از سوی دیگر موجبات ضعف قدرت اقتصادی و نظامی این واحدها را فراهم نمود. در نتیجه با دسترسی نیروی نظامی قوی و متحرک (که عموماً ایلات بودند) بر مازاد تولید واحدهای جدا افتاده، زمینه‌های شکل‌گیری استبداد سیاسی فراهم شد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۷۵-۷۹).

کاتوزیان در نهایت ویژگی‌های تاریخی جامعه ایران را در مقایسه با اروپای فئودال چنین شرح می‌دهد:

«ایران در طول تاریخ همواره دولت و جامعه‌ی استبدادی بوده است که در آن، دولت، طبقات اجتماعی، قانون، سیاست و مانند آنها صورتی متفاوت با آنچه در تاریخ اروپا مشاهده شده و نظریه‌پردازان اروپایی تبیین و تحلیل کرده‌اند داشته است نظام حکومت استبدادی، مبتنی بر انحصار دولتی حق مالکیت و نیز اقتدار نظامی و دیوانی شدید - اما نه لزوماً متمرکز - بود که بر اثر آن پدید می‌آید. حق مالکیت خصوصی اراضی وجود نداشت، بلکه فقط امتیازی بود که دولت به اشخاص (وایلها و طوایف) می‌داد و لذا هر زمان هم که اراده می‌کرد آن را پس می‌گرفت.» (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۷).

ب) مشکل انباشت و توسعه: اگر نکته‌ی وجود داشته باشد که تمام نظریه‌های عمده توسعه اقتصادی بر سر آن توافق داشته باشند، آن نکته این است که انقلاب صنعتی نتیجه انباشت دراز مدت نخست سرمایه تجاری و بعد سرمایه صنعتی بود. آدام اسمیت با یقین کامل و شاید با ایمان جزمی که چندان با خلق و خوی معتدلش در برخورد با مسائل نظری سازگار نبود، اعلام کرد که عامل اصلی در توسعه اقتصادی، پیشرفت فنی نیست بلکه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است که اختراعات و کاربرد آنها را میسر می‌کند. افزایش عامل اصلی سرمایه، قناعت است نه صنعت، صنعت چیزی را فراهم می‌کند که قناعت انباشت کرده است. اما صنعت به هر چیز که دست یابد، اگر قناعت سبب پس‌انداز و انباشت نشود، سرمایه افزایش نخواهد یافت. اما پس‌انداز مداوم و فراوان تنها در چهارچوب جامعه‌ی منطقی است که دچار هراس از غارت و مصادره اموال نباشد. در جوامعی مثل ایران اقدام به پس‌انداز دراز مدت به علت ترس از غارت و مصادره، کار عاقلانه‌ی نبود. اما در اروپا خاصه پروتستانها و فرقه‌های رادیکال آن فعالانه به تشویق قناعت و سخت‌کوشی پرداختند و از طرفی باید این را هم مد نظر قرار دهیم که اگر بورژوازی اروپا امنیتی برای ثروت خود نداشت و این امنیت با ظهور پادشاهان مستبد بعد از رنسانس افزایش نمی‌یافت، چنین پیامدهایی در کار نمی‌بود.

چنان که اشاره شد جامعه دراز مدت انباشت دراز مدت را میسر ساخت، به خاطر اینکه قانون و سنت حاکم بر نهادها، میزانی از امنیت را تامین می‌کرد ولی در مقابل، جامعه کوتاه مدت هم علت و هم معلول فقدان ساختار در تاریخ ایران بوده است. بنابراین در پاسخ به این پرسش بنیانی تاریخی که چرا انقلاب صنعتی و انباشت دراز مدت سرمایه در

کشورهایی مثل ایران روی نداد باید گفت: «مالک ایرانی هیچ حقی بر مالکیت خود و هیچ امنیتی برای عایدات خود نداشت.»

ج) نظریه جامعه پراکنده متخاصم: پرواند آبراهامیان با استناد به اینکه «مارکس در بیشتر یادداشتها و نوشته‌های طرح گونه‌اش در مورد شرق بخصوص در گروندریسه، بر فرضیه جامعه پراکنده بیش از فرضیه خودکامگی دیوانی تاکید دارد» (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۷). در خصوص منشاء شکل‌گیری استبداد سیاسی در ایران با دیدگاه جامعه پراکنده موافق می‌باشد، اما بر خلاف کاتوزیان که تاثیر فقر طبیعت بر ساختار رسمی نظام سیاسی - حقوقی را مورد مطالعه قرار داده، آبراهامیان در صدد کشف این مسئله است که فقر طبیعت چه تاثیری بر تعیین نوع روابط (اقتصادی - اجتماعی) بین گروه‌های اجتماعی دارد. مهمترین بازتاب کمبود منابع طبیعی که استبداد سیاسی را استمرار می‌بخشید، دامن زدن به اختلافات گروهی بود. رژیم‌های استبدادی نیز پس از شناخت این اختلاف‌ها با استفاده از سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» تسلط خود را استمرار می‌بخشیدند.

فقر طبیعت موجب پراکندگی اجتماعات و در نتیجه اختلافات موجود میان آنها به واسطه دو عامل به رقابت گروهی تبدیل می‌شد. نخستین عامل کمبود منابعی چون آب، چراگاه و زمین کشاورزی و دومین عامل احراز مناصب محلی بود. در نتیجه نزاع بر سر منابع کمیاب و اشغال مناصب محلی باعث می‌شد که اختلافات گروهی شکل بگیرد (همان: ۲۷).

د) موانع رشد سرمایه‌داری در ایران: احمد اشرف صاحب نظر دیگری است که مانند کاتوزیان و آبراهامیان با درک تفاوت میان تاریخ آسیا از اروپای فئودال به تامل در مسئله عقب ماندگی ایران پرداخته است، وی برای کشف موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران مطالعات خویش را بر روی دوره قاجار متمرکز کرده، و بر خلاف محققین دیگر شیوه تولید آسیایی در ایران، عوامل خارجی را از نظر دور نداشته است. به نظر اشرف «استبداد داخلی همراه با ویژگی‌های شیوه تولید در اجتماعات ایلی، شهری، روستایی از یکسو و استعمار خارجی از دیگر سوی مانع رشد سرمایه‌داری جدید صنعتی و تحقق رسالت تاریخی سرمایه‌داری ملی در کشور ما گردیدند.» (اشرف، ۱۳۵۹: ۹۴).

وی موانع داخلی رشد سرمایه‌داری در ایران را یکی ناشی از خصوصیات نظام سیاسی - اقتصادی و دیگری را مربوط به تداخل و تراحم شیوه تولید عشایری با دیگر شیوه‌های تولید و سلطه ایلات و عشایر بر اجتماعات شهری و روستایی می‌داند. عدم تقسیم کار اجتماعی میان کشاورزی، بازرگانی و صنعت، عدم تمایز و تضاد میان شهر و روستا، عدم رشد و استقلال انجمن‌های صنفی بعنوان یکی از نهادهای مدنی و ایجاد ناامنی برای تجار، سد راه رشد سرمایه‌داری شد.

### رهیافت تلفیقی؛ «جان فوران»

جان فوران در کتاب خود مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی» به تحلیل تحولات تاریخ ایران در یک بازه زمانی برابر با پنج سده از ۱۵۰۰ تا ۱۹۹۱ م می‌پردازد، رهیافت تلفیقی فوران برای توضیح علل توسعه نیافتگی ایران شامل سه نظریه اصلی و دو نظریه فرعی است. نظریات «توسعه وابسته»، «نظام جهانی» و «وجوه تولید» بنیان اصلی پژوهش وی را در این کتاب تشکیل می‌دهند و برای تحلیل پیامدها و الزامات نشأت گرفته از ضرورت‌های اقتصادی - سیاسی نظام جهانی در عرصه داخلی کشور به تحلیل‌های «دولت محور» می‌پردازد و سپس برای تحلیل مقاومت‌های صورت گرفته از رویکرد «فرهنگ سیاسی مقاومت و مشروعیت» استفاده می‌کند.

چهار رویکرد نخست در ذیل نگرش کلان «اقتصاد سیاسی» تعریف می‌شوند، اما حال آنکه رویکرد پنجم خارج از این نگرش بوده و بر «فرهنگ سیاسی» تاکید دارد.

الف) نظریات توسعه نیافتگی شامل: توسعه وابسته، نظام جهانی، و وجوه تولید رویکرد توسعه وابسته: این نظریه در دهه ۱۹۶۰ توسط دو پژوهشگر مسایل آمریکایی لاتین به نام‌های «کاردوسو» و «فالتو» ارائه شد. به زعم این متفکرین یک سیستم هنگامی وابسته است که انباشت و گسترش سرمایه نتواند عنصر پویایی لازم و اساسی خود را در درون سیستم پیدا کند (فوران، ۱۳۷۷: ۲۷).

رویکرد نظام جهانی: این رویکرد همانطور که در بخش‌های قبلی به آن اشاره شد در سال ۱۹۷۴ توسط امانوئل والرشتاین ارائه شد و بر اساس آن نظام جهانی سرمایه‌داری از یک هسته مرکزی شامل دولت‌های قوی که بزرگترین سهم از مازاد اقتصاد بین‌المللی را به خود اختصاص می‌دهند، یک منطقه حاشیه‌ی از دولت‌های ضعیف که در حد بالایی مورد استثمار قرار می‌گیرند و یک منطقه نیمه حاشیه‌ی شامل لایه‌های از دولت‌ها که از سوی هسته مرکزی مورد استثمار قرار می‌گیرند و همزمان کشورهای مناطق حاشیه‌ی را استثمار می‌کنند، تشکیل می‌شود.

رویکرد وجوه تولید: هر چند ریشه‌های این تحلیل از نظریات مارکس و انگلس وام گرفته شده اما برای پاسخگویی به نقائص الگوی وابستگی مورد توجه قرار گرفت. دو کلید واژه «صورت‌بندی اجتماعی» و «وجوه تولید» عناصر نظری این تحلیل‌اند. صورت‌بندی اجتماعی اشاره به جامعه در کلیت آن یعنی در جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد. وجوه تولید نیز یک ساختار انتزاعی متشکل از دو مفهوم: یک؛ فرایند کار، یعنی راه‌های تولید مواد خام به کالاهای مصرفی یا مبادله‌ی. دو؛ نظام مناسبات تولید، شامل سلسله مراتب اجتماعی مترتب بر فرایندهای متنوع کار (همان: ۲۶ و ۲۷).

تا اینجا فوران محور تئوریک کتاب را بر تلفیق سه نظریه غیر هم سطح بنیان می‌گذارد: نظریه نظام جهانی (سطح کلان و فراملی)، نظریه وجوه تولید (سطح خرد و ملی) و الگوی وابستگی یا همان توسعه وابسته (سطح میانه و ملی - فراملی). هر سه این رویکردها مکمل هم بوده و نقاط ضعف هم را جبران می‌کنند.

نقش دولت و فرهنگ در دگورگونی اجتماعی. (شامل رویکرد «دولت محور» و «فرهنگ سیاسی مقاومت و مشروعیت») رویکرد دولت محور: فوران در این زمینه از نظریه اسکاچ پل استفاده می‌کند. بر این اساس به همان اندازه که دولت در تجربه‌های توسعه اقتصادهای صنعتی اهمیت دارد در فرآیند توسعه وابسته در مناطق حاشیه‌ی نیز حائز اهمیت است. در ایران قرن بیستم موضع دولت به عنوان دریافت کننده و توزیع کننده درآمد عظیم نفت به عنوان مبتکر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و عملاً تنها داور سیاسی به ضعف ذاتی طبقه صنعتی افزوده شد.

فرهنگ سیاسی مقاومت و مشروعیت: دیدگاه‌های غیر اقتصادی نظیر ناسیونالیسم، شکل‌ها و جهت‌گیری‌های فرهنگی ما قبل سرمایه‌داری و غیر سرمایه‌داری جنبش‌های اجتماعی هیچکدام توسط نظریه نظام جهانی و نظریه تحلیل وجوه تولید و از جمله در تحلیل اسکاچ پل از دولت و انقلاب‌های اجتماعی، تئوریزه نشده‌اند.

این الگوها روند گذار جامعه ایران را از وضعیت ماقبل سرمایه‌داری به ساختارهای اجتماعی نوین تبیین می‌کنند، دو دگورگونی اجتماعی عمده در این مسیر بوجود می‌آید که یکی توسط دولت توسعه‌گرا و دیگری توسط جنبش‌های اجتماعی مخالف دولت توسعه‌گرای سرکوب‌گر هدایت می‌شود.

**طباطبایی و طرح نظریه انحطاط:**

سید جواد طباطبایی با طرح نظریه «زوال اندیشه و انحطاط تاریخی ایران»، در تلاش برای پاسخ به چنین سوالاتی است. به زعم ایشان طرح انحطاط فرهنگی ایران در آشنایی با مدرنیته، اساسی‌ترین پدیده در تجدد ایرانی است. در پروژه طباطبایی «تجدد و انحطاط، دو مفهوم به هم پیوسته آن دو در شرایط تصلب سنت و امتناع اندیشه، طرح یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست.» (ابن خلدون و علوم اجتماعی، ۱۳۷۴: ۸) از دیدگاه تاریخ اندیشه عامل عمده امتناع نوزایش و شکست تجدد در ایران از سویی هبوط فلسفه و اندیشه عقلی در تصوف و از سوی دیگر سیطره تفسیر شرعی شریعت به عنوان یگانه درک از دیانت است (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۲۸۷).

### ماکس وبر

ارتباط میان فرهنگ و نظام اقتصادی جامعه، به صورت علمی و جدید برای نخستین بار در اوایل قرن حاضر از طرف «ماکس وبر» مورد مطالعه قرار گرفت. اندیشه «وبر» عمدتاً متوجه تاثیر پروتستانیزم بر پیدایش و تکامل سرمایه‌داری جدید بود. وی در طرح نظریاتش به دو نکته اساسی اشاره دارد، نخست اینکه مذهب و نظام فکری را نباید به عنوان «علت» یا لاقل «تنها علت» ظهور سرمایه‌داری تلقی نمود. نکته دوم اینکه او اصولاً با طرح دیدگاه خود قصد رد و انکار مارکسیسم را نداشت یا به عبارت دیگر هدفش آن نبود که «به جای تفسیری تک جنبه‌ی و مادی، تفسیری معنوی و همان‌سان تک جنبه‌ی از فرهنگ و تاریخ بیاورد.» (هیوز، ۱۳۶۹: ۲۸۴).

سوال اساسی وبر این است که چرا سرمایه‌داری بورژوایی، عقلانیت اقتصادی، توسعه صنعتی و نظام قانون عقلانی تنها در غرب پیدا شد؟ به نظر وبر ریشه این پدیده به جنبش اصلاح دین باز می‌گردد. مذهب پروتستان بخصوص کالونیسیم به مراتب بیش از کاتولیک نسبت به آسایش دنیوی سخت‌گیری نشان داده است (بشیریه، ۱۳۸۳: ۴۵۷).

وبر نتایج عملی روحیه سرمایه‌داری را به شرح زیر نشان داده است:

(۱) قانونی بودن ثروت اندوزی. (۲) ثروت اندوزی وظیفه دینی است. (۳) تقسیم کار اخلاقی است. (۴) کار تکلیف است. (۵) تعبیر جدید از کارگر. (۶) نتیجه عملی در تفکر.

محصول نهایی این سلوک عملی از نظیر وبر، پیدایش سرمایه‌داری است که امری ناخواسته است. وقتی محدودیت در مصرف با ثروت اندوزی تلفیق می‌شود، نتیجه عملی آن روشن است: انباشت سرمایه از طریق ریاضت‌گرایی اجباری. در مجموع به عقیده ماکس وبر و کسانی که به ارزیابی نظر او پرداخته‌اند عناصری چون به رسالت کار، دخالت عقل، مکروه نداشتن گردآوری ثروت، امساک و صرفه جویی، اصالت فرد (فردگرایی)، داشتن روحیه خلاق و ... از جمله عوامل فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی.

### وبر و اسلام

ماکس وبر عدم رشد سرمایه‌داری بورژوایی و توسعه صنعتی را معلول «اخلاق اقتصادی»، «فرهنگ گروه‌های حامل» و نوع «سلطه سیاسی» بوده است. به همین دلیل در پژوهش حاضر نیز همین شیوه تحلیل وبر در مورد اسلام استفاده می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۳: ۴۷۴).

وبر در بحث از «اخلاق اقتصادی» در آئین پروتستان آن را «ریاضت‌کشانه» توصیف می‌کند و در مقابل، اخلاق اقتصادی موجود در آئین اسلام را «لذت‌جویانه و جهان‌گشایانه» توصیف می‌کند. در بحث از «فرهنگ گروه‌های حامل» وبر معتقد است که گروه حامل در مذهب پروتستان پیشه‌وران تجارت پیشه شهرنشین بودند حال آنکه گروه حامل در مذهب

اسلام جنگاوران نظامی بودند. به همین دلیل فرهنگ سیاسی گروه‌های حامل مذهب اسلام جهان گشایانه و لذت جویانه با تمرکز بر زندگی قبیله‌ی و غیر شهری بود، بر خلاف فرهنگ پیشه‌وران شهرنشین پروتستان که در پی اعمال کنترل عقلانی بر جهان به عنوان یک وظیفه دشوار بودند. به لحاظ نوع «سلطه سیاسی» به عقیده وبر مشخصه ساخت سیاسی در اسلام «پاتریمونیالیسم» و در مسیحت «فئودالیسم» بوده است. از این رو وبر معتقد بود که پاتریمونیالیسم مانع پیدایش اشرافیت گردیده است. پاتریمونیالیسم میل به تمرکزگرایی دارد و مانع شکل‌گیری نهادهای مدنی و اصناف مستقل می‌شود.

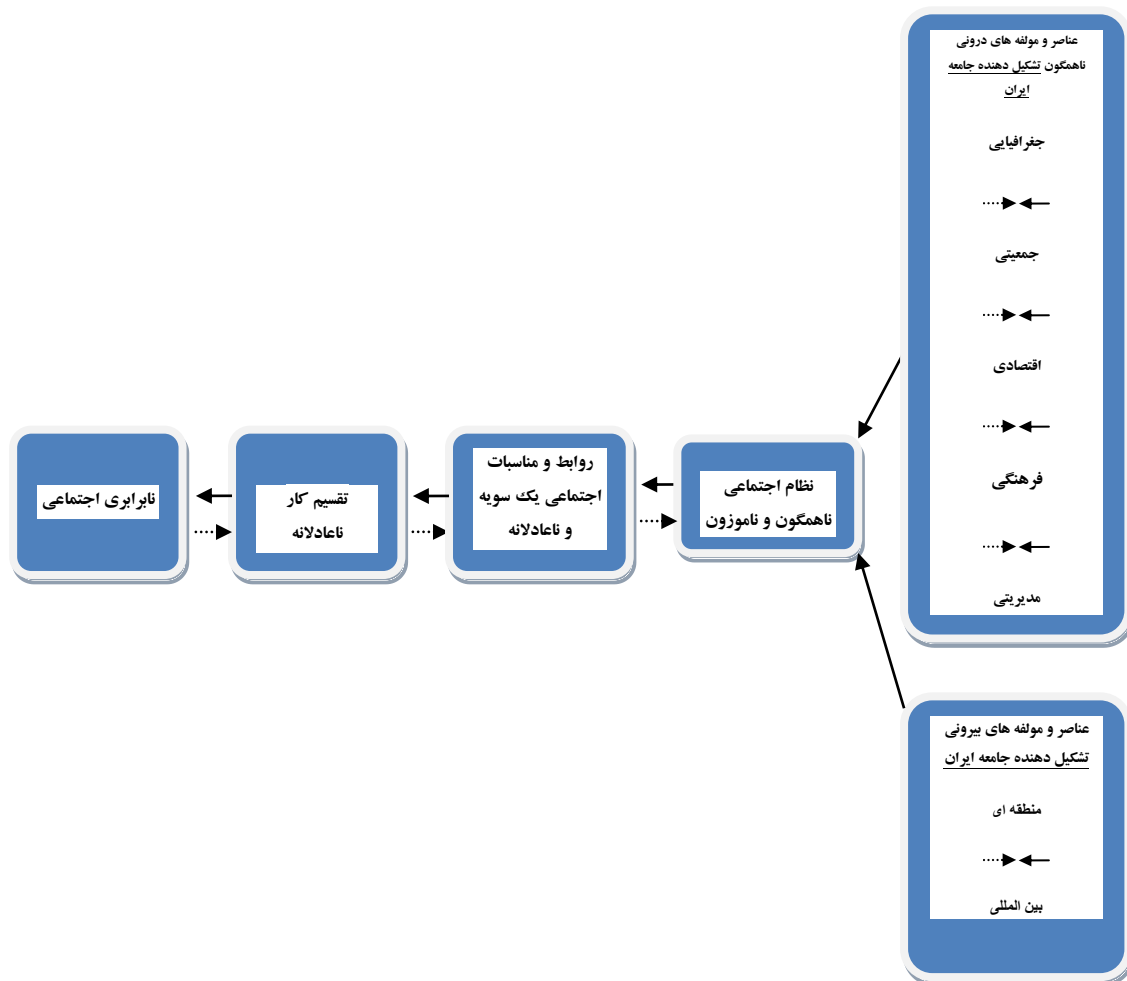
### چارچوب نظری و الگوی نظری - تحلیلی تحقیق

جامعه ایران مانند تمامی جوامع انسانی از ترکیب عناصر و مولفه‌هایی شکل گرفته و توسعه یافته است. این عناصر و مولفه‌ها عبارتند از؛ عناصر و مولفه‌های جغرافیایی-اقلیمی، عناصر و مولفه‌های جمعیتی-قومی، عناصر و مولفه‌های اقتصادی-معیشتی، عناصر و مولفه‌های فرهنگی، عناصر و مولفه‌های مدیریتی-سیاسی، این عناصر بواقع عناصر و مولفه‌های درون جامعه‌ای هستند که تحت تأثیر عناصر و مولفه‌های برون جامعه‌ای که سطوح منطقه‌ای و جهانی را در بر می‌گیرند، هستند. روند، فرایند، ساختار و کارکرد این عناصر و مولفه‌ها در مسیر توسعه به گونه‌ای بوده است که یک نظام اجتماعی ناهمگون و نامتوازن را شکل داده است و این نظام اجتماعی ناموزون در فرایند رشد و توسعه در طول تاریخ، روابط و مناسبات اجتماعی و کنش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ویژه‌ای را بوجود آورده است (سیف‌اللهی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۶). شرایط جغرافیایی-اقلیمی ایران با توجه به آب و هوای گوناگون، دشت‌ها و کوه‌ها و جلگه‌ها، و نیز موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، زمینه‌ساز سخت‌کوشی مرم و هجوم و نفوذ اقوام مختلف بوده است. بطوری که تئوری شیوه تولید آسیایی این مسأله را به راحتی تبیین می‌کند. ناهمگونی جغرافیایی-اقلیمی ترکیب جمعیتی ایران را دگرگون ساخته است و گروه‌های قومی گوناگون را بوجود آورده است. این ترکیب گوناگون و ناهمگون، بستر و زمینه‌ساز مناسبی را جهت شکل‌گیری مسائل و مشکلات اقتصادی-اجتماعی گوناگون برای جامعه ایران، بوده است، بطوری که کلیت جامعه را از همبستگی و انسجام و حرکت‌های همگون و موزون اقتصادی-اجتماعی، بازداشته است. فلات ایران شاه‌راه حوادث بوده است، هجوم اقوام مختلف با شیوه‌های معیشتی-تولیدی متفاوت، زمینه را برای هم‌گسیختگی فرهنگی فراهم کرده است. تشکیل دولت‌های گوناگون قومی - قبیله‌ای در ایران نمونه‌ای بارز از این جریان است (همان: ۳۶-۳۷).

همان‌طور که گفته شد، ترکیب ناهمگون جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی، مولفه‌های فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده و به نوعی شرایط ازهم‌گسیختگی فرهنگی را فراهم کرده است. در درون مولفه‌های فرهنگی (فرهنگ سنتی ایرانی و دین و دستگاه‌های دینی) از مهمترین مولفه‌هایی هستند که با حیات اجتماعی ایران عجین شده است و تأثیر خود را در طول تاریخ بر ساختار و کارکرد توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران گذاشته است.



## الگوی نظری - تحلیلی



### تعریف مفاهیم اصلی

**فرهنگ:** فرهنگ در لغت به معنای عقل دانش و بزرگی به کار رفته است. (فرهنگ دهخدا ذیل واژه فرهنگ) فرهنگ فارسی معین، فرهنگ را مرکب از دو واژه فر و هنگ به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف کرده است (فرهنگ معین، ۱۳۸۳).

فرهنگ از مصدر «فرهیختن» است به معنای ادب و هنر و علم آموختن و هر آنچه در رده شایستگی های اخلاقی و هنروری جای دارد. به همین دلیل فرهنگستان در زبان پهلوی به معنای آموزشگاه به کار رفته است (آشوری، ۱۳۷۵: ۷؛ وثوقی، ۱۳۸۰).

در علوم اجتماعی، این واژه بر معانی و مفاهیم متعددی اطلاق شده است که در ذیل به تعدادی از آنها به عنوان نمونه اشاره می شود:

(۱) تعریف تایلور (۱۸۷۱): فرهنگ یا تمدن ... کلیت در هم تافته ای است که شامل دانش، دین، نهر، قانون، اخلاقیات، آداب رسوم و گونه توانایی و عاداتی می شود که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد.

۲) تعریف پارک و برگس (۱۹۲۱): فرهنگ یک گروه، مجموع و سازمان‌های اجتماعی است که خوی نژاد و زندگی تاریخی گروه بدان معنای اجتماعی بخشیده است.

۳) تعریف ساترلند: فرهنگ شامل هر آن چیزی است که بتواند از نسلی به نسلی منتقل شود. فرهنگ یک قوم، همان میراث اجتماعی آن است.

۴) تعریف بوگاردوس (۱۹۳۰): فرهنگ مجموعه راه و رسم‌های عمل و اندیشه یک گروه اجتماعی در گذشته و حال و عبارت است از مجموع باورها و نیز رسوم و رویه‌های رسیده از نسل پیش.

۵) تعریف تیلور (۱۹۴۸): مراد من از فرهنگ به عنوان یک مفهوم، همه ساختمان‌های ذهنی یا تصوراتی است که فرد پس از زاده شدن می‌آموزد یا می‌آفریند (موسایی ۱۳۹۰: ۳۰-۳۳).

منظور ما از فرهنگ در این تحقیق اشاره به جنبه غیرمادی و ارزشی آن دارد که شامل مجموعه دیدگاهها، ارزشها، اعتقادات و باورهای یک جامعه می‌شود که بر رفتار افراد آن حاکم است.

**توسعه:** در لغت به معنای گسترش دادن است. اصل این لغت عربی و بر وزن تفعله می‌باشد. وزن تفعله یکی از مصادر باب تفعیل است که مفاهیم متعددی در آن نهفته است.

— توسعه اقتصادی

مایکل تودارو در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم می‌نویسد «توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است.» (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۵ و ۱۳۶).

دکتر علی محمد اقتداری در تعریف توسعه اقتصادی می‌گوید «توسعه اقتصادی علاوه بر افزایش تولید ملی، تغییرات فنی و سازمانی و چگونگی عمل تولید را نیز بیان می‌کند. به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی مرحله پیشرفته تری از رشد اقتصادی به شمار می‌رود که معرف دگرگونی‌های پیگیری و همه جانبه در ترکیب و تخصیص منابع در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور باشد.» (اقتداری، ۱۳۴۸: ۲).

### روش تحقیق

روش به کار گرفته شده در تحقیق حاضر روش اسنادی - کتابخانه ای است. روش گردآوری داده‌ها نیز بصورت فیش برداری های نظری از کتب، مقالات و اسناد دیگر است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با توجه به شیوه توصیفی - تحلیلی و با توجه به استنباط های نظری صورت گرفته است.

### یافته های تحقیق

#### وضعیت توسعه فرهنگی در ایران

با توجه به مولفه های میزان آگاهی، اطلاعات و تحصیلات افراد، مطالعه و پژوهش، آمارها و اطلاعات نشان می دهد که در حوزه مطالعه کتاب و نشریات، مردم ایران چندان به مطالعه نمی پردازند. پیمایش ملی مربوط به رفتارها و نگرش های ایرانیان در سال ۷۸ نشان می دهد که تنها ۴۳/۱ درصد از جمعیت باسواد اهل مطالعه هستند.

از طرف دیگر نتایج تحقیقات انجام شده در سال های اخیر نشان می دهد که در زمینه اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز ایران وضعیت مطلوبی ندارد. این مولفه ها به عنوان مولفه های اصلی سرمایه اجتماعی و خود سرمایه اجتماعی از ابعاد اصلی توسعه می باشد. نتایج پیمایش ملی ارزشها و نگرش های ایرانیان در سال ۸۰ نشان می دهد در

مجموع بیش از ۸۸ درصد افراد به اعضای خانواده خود اعتماد کامل دارند و این میزان برای اقوام خود ۲۴ درصد و برای دوستان ۴۴ درصد است (شارع پور، ۱۳۸۰).

### موانع فرهنگی صنعتی شدن و توسعه در جامعه ایران

همانطور که در فصل نخست تحقیق عنوان شد سه فرضیه موجود که به عنوان موانع فرهنگی ایران به شمار می‌آیند عبارتند از فرهنگ سنتی، فرهنگ و سنت ایرانی و فرهنگ استبداد و خودکامگی دولتها.

به همان نحو که متغیر مستقل تحقیق یعنی موانع فرهنگی در فرضیه‌ها شاخص‌بندی شده است متغیر وابسته تحقیق یعنی توسعه فرهنگی هم نیازمند ایضاح مفهومی است. در این تحقیق انباشت سرمایه و رشد مالکیت خصوصی مهمترین محورهای صنعتی شدن و توسعه است.

در نظریه مارکس، انباشت سرمایه به پویایی محوری نظام سرمایه‌داری در توسعه آن اطلاق می‌شود که از خلال تولید، مالکیت و ایجاد ارزش افزوده، حاصل می‌آید.

در نظریه روستو نیز انباشت سرمایه جزو محورهای اصلی توسعه است. روستو بر «زنجیره‌ای از مراحل توسعه» تاکید می‌ورزد که باعث گذار از مرحله سنتی به صنعتی می‌شود. این مراحل عبارتند از: ۱) جامعه سنتی (۲) شرایط قبل از خیز اقتصادی (۳) مرحله خیز اقتصادی (۴) مرحله بلوغ (۵) مرحله مصرف توده‌وار. او تصریح می‌کند که رشد اقتصادی پایدار نیازمند «انباشت سرمایه» و وجود «روحیه کار آفرینی» در جامعه است.

مالتوس عوامل ازدیاد ثروت و توسعه اقتصادی را: ۱) عوامل سیاسی و معنوی (۲) تمرکز سرمایه (۳) زمین حاصلخیز (۴) اختراعات و نوآوری جهت صرفه‌جویی در نیروی کار (لشکری، ۱۳۸۹: ۱۷۳ و ۱۷۴).

آدام اسمیت زمین، کار و سرمایه را عامل تولید می‌داند. وی بخصوص روی اهمیت تقسیم کار و قانون انباشت سرمایه به عنوان عامل اولیه کمک کننده به پیشرفت اقتصادی سرمایه‌داری تاکید می‌کرد (سلیمی فر، ۱۳۸۲: ۴۶).

### موانع فرهنگ سنتی صنعتی شدن و توسعه

در جایی که در فرهنگ پروتستانسزم انباشت سرمایه جنبه قانونی دارد و به منزله مشیت الهی تلقی می‌شود (وبر، ۱۳۸۸: ۱۴۰). در فرهنگ اسلامی و شیعی این امر تحت شرایط دشوار حلال شمرده شده و عموماً مذموم پنداشته می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید مبادا اموال شما و فرزندانتان، شما را از یاد خدا غافل گرداند، که هر کس چنین کند بی‌گمان از زیانکاران است.» (سوره منافقون، آیه ۶۹) در نهج البلاغه آمده است که «اگر کسی به مرد ثروتمندی به خاطر ثروتش احترام بگذارد، دو سوم دینش را از دست داده است.» (نهج البلاغه، ۱۳۸۴، حکمت ۲۲۸: ۴۸۳).

از دیگر موانع انباشت سرمایه در اسلام، نوعی عدالت توزیعی شبه سوسیالیستی است که در قالب احکام شرعی چون زکات، خمس و انفاق و... نهادینه شده. از دیگر مواردی که در اسلام به عنوان موانع فرهنگی انباشت سرمایه می‌توان اشاره کرد:

۱) رواج مالکیت جمعی، به شکل دولتی و یا غیر دولتی (نظیر موقوفات) (۲) احکام مربوط به ارث که مانع تمرکز مالکیت خصوصی می‌شود.

مجموع عوامل فوق، همراه با شرایط اقلیمی سرزمین‌های اسلامی امر پیدایش مناسبات سرمایه‌داری را با مانع مواجه ساخته است (موانع تکوین دولت مدرن و توسعه اقتصادی در ایران، [www.hadizamani.com](http://www.hadizamani.com)).

### فرهنگ و سنت ایرانی به عنوان مانع صنعتی شدن و توسعه

- در فرهنگ سنتی ایرانیان ریاضت کشی ابزاری است که فرد به وسیله آن خود را از زشتی‌ها، پاک نموده و به رستگاری می‌رسد. اما با این تفاوت که در ایران بر عکس غرب ریاضت کشی در پی ترویج عقاید صوفیانه تغییر اهمیت می‌دهد و جامعه را نه تنها به پویایی نمی‌کشاند بلکه دچار نوعی رکود می‌کند. چرا که در این دیدگاه افراد برای پاک شدن از آلودگی‌ها و کسب قرب الهی، جدایی از جامعه و پناه بردن به خانقاه را اختیار می‌کند (شناوری، ۱۳۷۷: ۹۶).
- در فرهنگ ایرانی با وجود برخورداری از غنای فرهنگی، بافت‌هایی را نیز می‌توان یافت که جامعه را به سوی رکود و واپس‌گرایی می‌کشاند. که در این بین می‌توان از وجود چهار عامل «تقدیرگرایی»، «زهد صوفیانه»، «تقلید» و «اختلال در سیستم فرهنگی» جامعه نام برد. سه عامل یاد شده مانند تیغی دو لب هم می‌توانند در جهت توسعه عمل نمایند و هم می‌توانند جامعه را به سقوط رهنمون سازند.
- سیل ویران‌کننده حملات مغول و فجایعی که به دنبال آن اتفاق افتاد ایران را در حالی از انزوا و گوشه‌گیری قرار داد. به همین سبب ایرانی در پی آن برآمد که برای تسکین دردهای خود التیامی بیابد، پس در دنیاگریزی و تقدیرگرایی فرو رفت (پطروشفسکی. بی تا: ۳۳۷).
- به زعم طباطبایی رواج اندیشه‌های عرفانی و صوفیانه در تاریخ معاصر ایران به چهار دلیل باعث انحطاط در اندیشه ایرانیان شده است: (۱) تاکید این اندیشه بر عدم ثبات امور عالم (۲) تاکید بر نخبه‌گرایی انزواطلبانه (۳) رویکرد انفعالی نسبت به اجتماع، سیاست و اقتصاد (۴) سکوت توأم با حیرت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷۰-۱۷۵).
- پدیده «تقلیدگرایی» نیز یکی دیگر از موانع فرهنگی بوده است. در صورتی که تقلید به صورت کورکورانه و بدون برنامه‌ریزی قبلی (آن هم در سطح کلان اجتماعی) انجام شود می‌تواند موجب آنتروپی یا اختلال در سیستم اجتماعی و فرهنگی شود. اثرات تقلید در حوزه اقتصادی به روحیه آماده‌خوری در استفاده از رنج‌مایه دیگران، گرایش به کار دلالی و واسطه‌گری و سودخواهی آبی و بی درد سر و بی‌اندیشه منتهی می‌شود (طایفی، شماره ۱۸: ۵۱۰).
- به لحاظ تاریخی علیرغم آمیزش‌های بسیار، یک شکاف پایدار میان فرهنگ و تمدن ایرانی و فرهنگ و تمدن عربی - اسلامی وجود داشته است و در دو سده اخیر نیز همزمان با آشنایی با غرب و آغاز فرایند نوسازی و مدرنیزاسیون در ایران یک وجه فرهنگی غرب‌گرایانه نیز در جامعه رسوخ یافته است که به دلیل وجه ماتریالیستی و دنیاگرایانه خود معمولاً، با وجه فرهنگی اسلامی اصطکاک داشته است (بشیریه. ۱۳۸۱: ۲۰).
- در حال حاضر «در ایران امروز با توجه به اینکه تمام عناصر فرهنگی باید دگرگون شوند، اما این تناسب به صورت یکسان انجام نشده، و نوعی ناهمگنی و ناهماهنگی بین عناصر فرهنگ جامعه به وجود آورده است، که به نوعی تأخر فرهنگی را بین ابعاد مادی و معنوی فرهنگ جامعه ایران عصر حاضر ایجاد کرده است. وجود دوره استعمار و استثمارگری در ایران، پول پرستی، و مصرف‌گرایی، و علاقه به رفاه که در فرهنگ ایرانی رسوخ پیدا کرده است، وجود بافت‌های فرهنگی متنوع داخلی در جامعه، نمونه برداری، گزینش و تقلید از غرب، تعارض بر سر استقرار ارزش‌های جدید به جای ارزش‌های سنتی حاکم در جامعه، شرایط و موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی کشور، وجود سه لایه تمدنی در ایران (فرهنگ و تمدن ایران باستان - فرهنگ و تمدن اسلامی - تمدن و فرهنگ غربی) و... همگی نمونه‌های از موانع توسعه فرهنگی در ایران به شمار می‌آیند.» (توحید فام، ۱۳۸۶: ۲).

ما در حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی که به نوعی منجر به توسعه فرهنگی کشور می‌شود؛ از نظر دانش نظری و تجربی فقیر هستیم بر این اساس به دو دلیل بسیار عمده این مسئله از ضروریات امروزی جامعه ایرانی محسوب می‌شود: الف) دلایلی که می‌تواند شاهدهی بر این مدعا باشد، یکی آن است که کشور ما ایران، کشوری است که در مسیر توسعه پایدار و همه‌جانبه‌علی‌الخصوص توسعه فرهنگی گام بر می‌دارد، و با توجه به نقش اساسی فرهنگ در امر توسعه، که پیش از این بدان اشاره شد، لزوم توجه به سیاست فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر است. دلیل دوم، به ناهنجاری‌ها و ضعف‌های فرهنگی‌ای باز می‌گردد؛ که گویی امروزه دامن‌گیر جامعه ایرانی شده است؛ و متأسفانه، هر روز به میزان بیشتری برای ما آسیب‌زا است، برای مثال می‌توان به رواج فرهنگ فردگرایی یا منفعت‌مداری شخصی، ضعف تعلق به هویت ملی، رواج فرهنگ قانون‌گریزی، فقدان پویایی و نشاط فرهنگی، پرهزینه بودن فعالیت‌های فرهنگی در جامعه، تعارض هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، تهدیدات فرهنگی ناشی از پدیده جهانی‌سازی، مصرف‌گرایی مفرط، ابهامات هویتی نسل جوان، کاهش اعتبارات فرهنگی گروه‌های مرجع فرهنگی - ارزشی جامعه و... به عنوان مهمترین مشکلات فرهنگی در امر توسعه فرهنگی موجود به حساب می‌آید.

#### نتیجه‌گیری

با توجه به جایگاه مهمی که نظریه ماکس وبر در چارچوب نظری داشت در بخش اول به مقایسه ارزش‌های اقتصادی پروتستان و اسلام پرداختیم. نتیجه آنکه پیروان پروتستان، بر مبنای آموزه‌های دینی خود تحصیل ثروت را «وظیفه دینی» می‌دانند اما در دین اسلام ثروت سبب گمراهی است. علاوه بر آن احکام فقهی موجود درباره خمس، زکات، انفاق و... همواره مانع انباشت سرمایه بوده است. به این ترتیب فرض اول تحقیق «بین فرهنگ سنتی و روند صنعتی شدن در ایران ارتباط معناداری وجود دارد.» به اثبات رسید.

آینده انقلاب اسلامی، معطوف به شیوه بهره‌برداری از امکانات فرهنگی کشور، برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی کارآمد، در قالب توسعه فرهنگی است. اگر زنده بودن فرهنگ انقلاب اسلامی نه صرفاً در شعارها، بلکه در عملکردها، یک واقعیت است، در آن صورت باید گفت، هر تغییری که اجرای آرمانهای فرهنگی را با مشکل مواجه سازد، چالشگری فرهنگی انقلاب را شروع می‌کند. توسعه فرهنگی، راهکارهای پیشگیرانه تبدیل چالش به یک فرصت و تحکیم اصول ارزشی فرهنگی را فراهم می‌آورد.

در بخش بعدی به بررسی تاثیر فرهنگ و سنت ایرانی بر شاخص ریاضت‌کشی در جهت کار و تولید پرداخته شد. در فرهنگ و سنت ایرانی مفهوم «ریاضت‌کشی» دچار دگردیسی شده است، در پی ترویج عقاید صوفیانه، مفهوم ریاضت-کشی دچار تغییر شده و موجب رکود جامعه می‌شود. عوامل دیگری چون «تقدیرگرایی»، «زهد صوفیانه»، «تقلید» و اختلال در سیستم فرهنگی» جامعه ایران نیز در طول تاریخ از موانع عمده رونق گرفتن کار و تولید بوده است. به این طریق فرض دوم تحقیق هم که قائل بود «بین فرهنگ و سنت ایرانی و روند صنعتی شدن در کشور ارتباط معنادار وجود دارد.» نیز به اثبات رسید.

فرهنگ سنتی و سنت ایرانی را به عنوان موانع اصلی توسعه فرهنگی در ایران بوده اند. با توجه به رویکرد تحقیق فرهنگ ریشه در ساختار، کارکرد و عملکرد عناصر و مولفه‌های نظام اجتماعی دارد و این ساختار و کارکرد و عملکرد نظام اجتماعی است که پویایی فرهنگی و تأخر فرهنگی را تعیین می‌کند. و با توجه به یافته‌های تحقیق این روند و فرآیند در جامعه ایران بصورتی بوده که توسعه ناموزون شکل گرفته است و محصول این توسعه ناموزون تأخر فرهنگی است. در

جدول ذیل شاخص ها و مفاهیم و مقولات اساسی و تأثیر گذار در جهت شکل گیری تأخر فرهنگی و عدم توسعه فرهنگی در ایران آورده شده اند؛

جدول ۱: شاخص ها، مفاهیم و مقولات تأثیر گذار در عدم وجود آمدن توسعه فرهنگی

مقولات	شاخص ها و مفاهیم
<p>فرهنگ سنتی فرهنگ استبداد تأخر فرهنگی سنت ایرانی</p>	<p>ریاضت کشی واپسگرایی تقلیدگرایی تقدیرگرایی عدم برنامه ریزی انزوا و گوشه گیری دنیاگریزی نخبه گرایی انزوا طلبانه سکوت توأم با حیرت آسیب های هویتی و فرهنگی فقدان شرایط تکثر فکری و فرهنگی فقدان روحیه فردگرایی در جهت اصالت فردیت رویکرد انفعالی نسبت به اقتصاد، سیاست و اجتماعی استعمار و استعمارگری پول پرستی مصرف گرایی تقلید از غرب منفعت مداری شخصی ضعف تعلق به هویت ملی رواج فرهنگ قانون گریزی فقدان پویایی و نشاط فرهنگی تعارض هنجارها و ارزش های فرهنگی ابهامات هویتی نسل جوان جهانی شدن کاهش اعتبار فرهنگی گروه های مرجع زهد صوفیانه</p>

### راهکارهایی برای برون برفت از وضعیت فعلی

در پایان باید اشاره کرد، برای اینکه سیاست گذاری فرهنگی در بُعد ایجابی به مسیر توسعه فرهنگی جامعه شتاب ببخشد، و پویا شود، براساس خرده نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نوعی بسته هنجاری را می توان اشاعه داد؛ بر این اساس در خرده نظام اقتصادی باید در جهت "کار و تلاش، صرفه جویی، امانتداری، وقت شناسی و..." را آموزش فرهنگی داد، در بُعد سیاسی "پاسخگویی، مسئولیت پذیری، انصاف، مشارکت سیاسی و هدف داری و..." مد نظر باشد؛ در بُعد اجتماعی "بردباری، تسامح، رعایت حقوق انسانی، مشارکت اجتماعی، صداقت و حقیقت جویی" باید آموخته شود؛ و در حوزه فرهنگی، "احسان، وفادری، تعاون، و دگرخواهی عام، اعتماد و..." باید در جامعه ترویج یابد.

بنابراین مهمترین رکن هویت بخش در هر جامعه پیشینه و غنای فرهنگی آن است. با توجه به این امر و تاکید بر این نکته که کشور ایران دارای یکی از کهن ترین و اصیل ترین فرهنگ های جهان است، سیاستگذاران و مسئولان کشور را بر آن

می‌دارد که فرهنگ را از ارکان اساسی جامعه محسوب و جایگاه ویژه‌ای برای آن در تدوین و تعیین اهداف و سیاست‌های کلان و بلندمدت کشور قائل شوند. این رویکرد تا جایی پیش رفته که روح حاکم بر چشم‌انداز ۲۰ ساله ایرانیز مبتنی بر فرهنگ و مولفه‌های هویت بخش آن است. تا حدی که در اولین بند از ۸ بند این سند بر فرهنگو عناصر آن و بویژه فرهنگ عمومی جامعه تاکید شده و در بندهای دیگر نیز به تناسب موضوع، به فرهنگ اشاره گردیده است در بند اول افق چشم‌انداز بیست ساله ویژگی‌های زیر برای جامعه ایرانی بر شمرده شده - : توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، تاکید بر مردمسالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضائی . در بند ۵ این سند هم‌چنین آمده است : - فعال ، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مومن ، رضایت‌مند ، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاونو سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن . علاوه بر بندهای مذکور که صراحتاً به فرهنگ و مولفه‌های آن اشاره دارد، در سایر بندها نیز به نوعی حضور فرهنگ احساس می‌شود. به طور مثال در بند دوم با موضوع «برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علمو فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی» به اهمیت دانش و فناوریدر توسعه کشور . اشاره شده، اما کیست که نداند دانش بخش مهمی از فرهنگ هر کشور محسوب می‌شود. در بند ۳ با موضوع «امن، مستقل، مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت» باز هم ملاحظه می‌شود که امنیت و استقلال گفته شده ریشه در هویت تاریخی و ملی و غنای فرهنگی دارد . در بند ۴ نیز که صحبت از « برخوردار از سلامت، رفاه و امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوبشده، گذشته از مقولاتی چون سلامت، امنیت غذایی، مقولاتی چون فرصت‌های برابر، نهاد مستحکم خانواده، دوری از فقر و فساد و تبعیض، ریشه در فرهنگ دارند . در بند ۵ دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی «آورده شده که با اغماض از جایگاه اقتصادی و علمی، در جایگاه فناوری، سایه بخش فرهنگ را می‌بینیم و در انتهای بند نیز به «رسیدن به اشتغال کامل» بر می‌خوریم که بدیهی است بخش فرهنگ در اشتغال‌زایی سهمی بسزا دارد.

از طرفی دیگر دیدگاه‌های منفی القا شده نسبت به سرمایه‌گذاران داخلی، نگاه بدبینانه‌ای به وجود آمده به‌نحوی که نفس داشتن تمکن و سرمایه با واکنش منفی رسانه‌ها و عموم جامعه مواجه و نوعی جرم تلقی می‌شود. البته وجود فساد اقتصادی، گسترش اقتصاد رانتی و رشد اقتصادی برخی افراد به واسطه بهره بردن از روابط قدرت و رانت‌ها در تشدید این نگاه بدبینانه مؤثر بوده است به‌نحوی که برخی از سرمایه‌گذاران داخلی برای در امان ماندن از تهدیدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، ترجیح می‌دهند که سرمایه و ثروت خود را در بخش‌های غیرتولیدی یا بدتر از آن در خارج از کشور به کار گیرند. سیاست‌های داخلی و خارجی از سوی مسئولان کشور باید با توجه به منافع ملی و پرهیز از اظهارنظرها و رویکردهای هیجانی با حفظ اصول و آرمان‌ها، معقولانه و مدبرانه اتخاذ شود تا از تحمیل هزینه‌های بی‌مورد به کشور جلوگیری شود. در پیش اسلام می‌بینیم که مبتنی بر کتاب قرآن و سنت پیامبر است قدرت و حکومت در خدمت رفع نیازهای مردم و اعتلای جامعه و مورد نقد و بازخواست مردم است . «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یوتون الزکوة و هم راکعون» امر به معروف و نهی از منکر به معنای عمیق و وسیع و مستمر آن فلسفه نقد و نظارت مردم و

اجتماع بر همه مسایل سیاستگذاری و حکومتی بخصوص قدرت است که در نتیجه یک نقد صحیح و اصولی جامعه به سوی تعالی معنوی و اخلاقی و توسعه یافته فرهنگی حرکت خواهد کرد.

### منابع

۱. آشوری، داریوش. (۱۳۷۵). تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ. تهران چاپ اول. مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
۲. آرون، ریمون. (۱۳۸۱). مراحل سیر اندیشه در جامعه شناسی، باقر پرهام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی نویسنده، ویرایش دوم، چاپ دهم
۳. اشرف، احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران، دوره قاجاریه، تهران: زمینه.
۴. افروغ، عماد. (۱۳۸۵). چالش های فرهنگی ایران، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۷۳۲، پنجشنبه ۳۰ شهریور ۸۵
۵. بشیریه، حسین. (۱۳۸۳). عقل در سیاست. تهران. انتشارات نگاه معاصر
۶. بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی. تهران. انتشارات نگاه معاصر.
۷. توداروف، مایکل. (۱۳۷۰). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران. جلد اول. انتشارات برنامه و بودجه
۸. توحید فام، محمد. (۱۳۸۶)، «موانع توسعه فرهنگی [www.aftab.ir/Articel](http://www.aftab.ir/Articel)»، تهران
۹. سیف‌اللهی، سیف‌اله. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران، تهران: جامعه پژوهان سینا.
۱۰. سید رضی. (۱۳۸۴). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم. نشر جمال.
۱۱. سلیمی فر، مصطفی. (۱۳۸۲). اقتصاد توسعه. انتشارات موحد.
۱۲. طباطبایی، جواد. (۱۳۷۴). ابن‌خلدون و علوم اجتماعی، وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی. تهران. نشر طرح نو.
۱۳. طباطبایی، جواد. (۱۳۷۲). درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی. تهران. انتشارات کویر.
۱۴. طباطبایی، جواد. (۱۳۷۳). زوال اندیشه سیاسی در ایران. تهران. انتشارات کویر
۱۵. کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۳). دولت و جامعه در ایران؛ انقراض قاجار و استقرار پهلوی. ترجمه حسن افشار. تهران. نشر مرکز.
۱۶. علمداری، کاظم (۱۳۸۵). چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟، تهران، نشر توسعه
۱۷. فوران، جان. (۱۳۷۷). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین. تهران. نشر رسا
۱۸. قرآن کریم
۱۹. ویس‌وده، گونتر. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی برای اقتصاد. ترجمه هادی صمدی. انتشارات سمت. تهران
۲۰. معین، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی. تهران. انتشارات راه رشد
۲۱. موسایی، میثم. (۱۳۹۰). دین، فرهنگ و توسعه. تهران. انتشارات جامعه‌شناسان
۲۲. وثوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق (۱۳۸۰). مبانی جامعه‌شناسی، تهران: بهینه.
۲۳. یرواند، آبراهامیان. (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران. نشر نی